

Journal of Socio-Political Developments in Contemporary Iran

Vol. 3, No. 9, Winter2024

[http://doi.org/ 10.30510/pssci.2025.495437.1178](http://doi.org/10.30510/pssci.2025.495437.1178)

**The position of indirect damage policy in Iranian and English law
(with emphasis on their judicial practice)**

Gholamhossein Igbali¹

Received: 7 April 2024

Kyomarh Kalantari 2*

Reception: 21 May 2024

Mohammad Behrooziye 3

Abstract:

In the legal systems of countries around the world, compensation for damage caused by a crime is accepted in criminal law and for error in civil law. According to what can be seen in Iranian law, the basis of all compensation for damage caused by a crime or error is the principle of non-harmfulness, which states that the offender is criminally liable and the wrongdoer must bear civil liability. Losses and damages may be directly or indirectly caused. Our discussion in this article is losses that are based on indirect losses. In the legal systems of Iran and England, both have accepted indirect losses and the causer is responsible for compensating for the damages caused by his or her actions. The English judicial system and practice have adopted a stricter approach to compensation for indirect damage than the Iranian judicial system and practice. It seems that judges in England issue rulings based on custom and fairness to compensate for indirect damages. The Iranian legal system is not very strict in this regard and has not followed German and Common Law in this regard. It is true that it has taken the model of the English legal system in the field of compensation for indirect damages, but there are fundamental differences in these two systems that are undeniable.

Keywords: Difference of benefit, compensation, Iranian and English law, indirect loss, loss and damage.

¹Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

²Department of Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

³Department of Law, Tehran Branch, Payam Noor, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.495437.1178>

جایگاه سیاست ضرر غیر مستقیم در حقوق ایران و انگلستان (با تاکید بر رویه قضایی آن دو)

غلامحسین اقبالی^۱

تاریخ دریافت: ۱۹/۰۱/۱۴۰۳

کیومرث کلاتری^۲

تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۳/۱۴۰۳

محمد بهروزیه^۳

چکیده

در سیستم های حقوقی کشورهای دنیا جبران خسارت ناشی از جرم در حقوق کیفری و خطا در حقوق مدنی پذیرفته شده است. بنابر آنچه که در حقوق ایران قابل مشاهده می باشد مبنای تمامی جبران خسارت های ناشی از جرم و یا خطا قاعده لاضرر می باشد که مجرم مسئولیت کیفری دارد و شخص خطاکار مسئولیت مدنی را باید متقبل گردد. ضرر و زیان ممکن است به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم متوجه زیان دیده گردد. بحث ما در این مقاله ضررهایی می باشد که مبتنی بر ضررهای غیرمستقیم می باشد. در سیستم حقوق ایران و انگلستان هر دو ضررهای غیر مستقیم را مورد پذیرش قرار داده اند و عامل سبب مسئول جبران خسارت های وارده ناشی از فعل خود می باشد. در نظام و رویه قضایی انگلستان برای جبران خسارت غیرمستقیم سخت گیری بیشتری را نسبت به نظام و رویه قضایی ایران در پیش گرفته است. به نظر می رسد قضات در کشور انگلستان بر مبنای عرف و انصاف جهت جبران خسارت های غیرمستقیم حکم را صادر می کنند. در نظام حقوق ایران سخت گیری زیادی در این زمینه به چشم نمی خورد و در این زمینه از حقوق ژرمنی و کامنلا تبعیت نکرده است. درست است که در زمینه جبران خسارت های غیرمستقیم از نظام حقوقی انگلستان الگو گرفته است اما تفاوت های اساسی در این دو سیستم به چشم می خورد که غیر قابل انکار می باشد. **واژگان کلیدی:** تفویض منفعت، جبران خسارت، حقوق ایران و انگلستان، ضرر غیر مستقیم، ضرر و زیان.

^۱ گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

^۲ گروه حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

^۳ گروه حقوق، واحد تهران، پیام نور، تهران، ایران

هیچ یک از رشته های حقوق به اندازه مسئولیت مدنی در حال تغییر و تحول نیست و نبوده است. ورود و اثبات زیان از ارکان تحقق مسئولیت مدنی و جبران خسارت مهمترین هدف این مسئولیت معرفی شده است. این امر در جبران خسارت ناشی از جنایات باتوجه به اختلافات میان حقوقدانان و فقها در تعیین گستره این جبران ها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. امروزه ضرورت جبران همه زیان های ناشی از جرم به ویژه در جنایات، غیر قابل تردید بوده و باید دانست که جبران ضرر به عنوان یک قاعده کلی مورد اتفاق حقوقدانان بوده و بنای عقلا و قواعد لا ضرر و نفي اضرار و همچنین نفي حرج و تسبیب و عمومات و اطلاقات سایر ادله ضمان، بر این موضوع که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند، صحه گذاشته و بر این اساس هر صورتی از خسارت و زیان که متوجه جان و یا اطراف انسان و یا مال او شود چه از نوع مادی یا معنوی، باید به وسیله عامل ضرر و در مواردی دولت مورد جبران واقع شوند.

ضرر غیر مستقیم و با واسطه را باید با توسل به رکن سببیت مورد شناسایی قرار داد. چه بسا در عالم واقع، واسطه ای بین ضرر و فعل زیانبار وجود داشته باشد، اما در عرف ضرر وارده را منسوب به فاعل زیان بداند. ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی نمونه روشنی از ضرر غیر مستقیم قابل جبران در حقوق ایران است. اگر چه بسیاری از حقوقدانان کوشیده اند که ضرر مندرج در این ماده را ضرر مستقیم بدانند، لیکن غیر مستقیم بودن این گونه ضررها بدیهی است. (زمانی، طاهری، پیروزی، مظلوم رهنی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۰)

واضح است که هدف اصلی از وضع یک قاعده در حقوق، رفع معضلات موجود و کمک به برقراری عدالت است. بدون در نظر گرفتن این هدف، وضع قاعده حقوقی بیهوده است. قاعده حقوقی باید در مدت حیات خود

همواره این هدف را پوشش دهد، وگرنه کارایی خود را از دست می دهد و به پدیده ای زائد و دست و پاگیر مبدل خواهد شد. قاعده مستقیم بودن ضرر در حال حاضر چنین وضعیتی دارد. حال آنکه بدون احراز این شرط و تنها با توسل به رکن سببیت نیز می توان محدودیت موردنظر حقوق مسئولیت مدنی را لحاظ کرد. اهمیت نظریه از آن جهت است که محاکم ما در مقام مواجهه با ضررهایی که بازتاب ضرر اصلی اند، اختلاف نظر دارند. رویه قضایی در این زمینه متشتت بوده و اغلب با تردید جدی مواجه است. استدلال بسیاری از محاکم برای عدم پذیرش این گونه ضررها، غیرمستقیم بودن ضرر است. تحقیق حاضر با نیم نگاهی به حقوق کشور انگلیس همچنین اسناد بین المللی، پس از بررسی مفهوم سببیت و ضرر غیرمستقیم و ارتباط آنها با یکدیگر، کارایی قاعده مستقیم بودن خسارت را در حقوق ایران به چالش می کشد تا از این رهگذر افق جدیدی را در جهت جبران خسارات متعارف زیان دیده بگشاید.

۱) مفهوم ضرر غیر مستقیم

در حقوق مسئولیت برای تحقق ضرر به عنوان رکن نخست مسئولیت مدنی، شرایطی را لازم دانسته اند که «مستقیم یا بلاواسطه بودن ضرر» یکی از آن هاست. بر این مبنا گفته می شود ضرر قابل جبران ضرری است که مستقیم باشد. «ضرر غیر مستقیم» که گاهی به آن «خسارت تبعی» (به نقل از: بادینی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳) «خسارت متعاقب» (به نقل از: نعیمی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۲) و «ضرر کمانه کرده» (به نقل از: ژوردن، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲) نیز گفته شده است، هنگامی اتفاق می افتد که ضررها یکی پس از دیگری و متعاقباً حادث شود؛ هر ضرر معلول ضرر قبلی است و این سلسله ممکن است بارها و بارها تکرار شود.

۲) جایگاه ضرر غیرمستقیم در حقوق مدنی، کیفری و رویه قضایی

ایران

ضرر غیرمستقیم در حقوق ایران اعم از حقوق کیفری و حقوق مدنی به طور جدا پذیرفته شده است. در این قسمت با تکیه بر رویه قضایی به بررسی آن می پردازیم.

الف - جایگاه ضرر غیرمستقیم در حقوق مدنی ایران

قبل از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ در ماده ۳۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۹ آمده بود: «... در دعاوی که موضوع آن استرداد عین بوده و مدعی مطالبه اجرت المثل و یا خسارت ناشی از تنزل قیمت نماید و همچنین در موارد دیگری که موضوع دعوی وجه نقد محکمه میزان خسارت را پس از رسیدگی معین خواهد کرد...». خسارت ناشی از قیمت به نوعی پوشش دهنده ضررهای ناشی از عدم النفع بود و محاکم با اختیار حاصله از قسمت اخیر این ماده می توانستند خسارات را به منافع از دست رفته نیز توسعه دهند. (رنجبر، ۱۳۹۵، ص ۵۸)

بعد از تصویب ق.آ.د.م سال ۱۳۱۸ ماده ۷۲۸ آن تصریح نمود: «...در صورتی دادگاه حکم به خسارت می دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده و این ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به بوده است. ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت منفعتی که انجام تعد حاصل می شده است». این نخستین باری است که قانون آیین مستقیم بودن ضرر سخن به میان می آورد. با این حال قانونگذار راه را برای ناشی از عدم النفع باز گذاشته بود. اما آنچه در ماده ۷۲۸ قابل توجه به نظر می رسید اینکه با وجود تاکید بر مستقیم بودن خسارت، در ذیل ماده تاکید شده بود

«..ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعت....» (زمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۰)

بعد از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی مجددا در ماده ۵۲۰ به شرط مستقیم بودن ضرر به شرح ذیل اشاره شد: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد». قانون یاد شده تعریفی از خسارت غیرمستقیم به دست نمی دهد. لیکن قانونگذار با حذف ضرر ناشی از فوت منفعت که در قسمت اخیر ماده ۷۲۸ ق.ا.م.سابق آمده بود عدم تمایل خود را نسبت به جبران پذیری خسارات غیر مستقیم نشان می دهد. در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ نیز صراحتاً حکم به عدم جبران عدم النفع داده شده است. (زمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۱)

با این حال بعید نیست با توجه به تفسیری که غالب حقوقدانان ایران از شرط مستقیم بودن ضرر ارائه نموده اند و آن را به معنی سببیت عرفی دانسته اند، بتوان گفت حکم ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی منافی جبران ضررهای غیرمستقیمی که عرف آنها را قابل جبران می داند نیست. چه اینکه مواد ۲۲۰، ۲۲۱ و ۲۲۵ قانون مدنی جبران ضرر را به تشخیص عرف واگذار نموده اند. علاوه آنکه ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز به لزوم قابلیت انتساب عرفی ضرر به فاعل زیان اشاره دارد. همچنانکه این ضابطه در ماده ۴۹۲ ق.م.ا نیز مورد تاکید قرار گرفته است. هر چند که انتساب با سببیت متفاوت است لیکن میان این دو در فقه تفاوتی قائل نشده اند و منظور از هر دوی آنها سببیت عرفی است. بنابراین برای اینکه فاعل زیان از نظر حقوق مسئول باشد باید بین عمل او و ضرر وارده رابطه سببیت عرفی برقرار باشد. (حیاتی، ۱۳۹۶، ص ۵۶).

لازم به ذکر است قانون مدنی در برخی از مواد خود خسارات تبعی ناشی از عهد شکنی را بعضاً مورد پذیرش قرار داده است. برای مثال ماده ۵۳۵ در باب مزارعه بیان می‌دارد: «در عامل زراعت نکند و مدت منقضی شود مزارع مستحق اجرت المثل است».

اگر چه گرچه اجرت المثل زمین در حالتی که عامل به اختیار از زراعت کردن خودداری می‌کند امری بدیهی بوده و هر عقل سلیمی حکم به وجود رابطه سببیت بین ترک فعل عامل و منافع زمین می‌دهد؛ لیکن چه تفاوتی میان این منافع و عدم النفعی که قانونگذار به موجب قانون آیین دادرسی مدنی آن را مورد پذیرش قرار نداده وجود دارد؟ واقعیت این است که قانونگذار امکان حصول منافع را در ماده ۵۳۵ قانون مدنی مسلم فرض نموده است. حال آنکه ممکن بود حتی در فرض تصمیم عامل به زراعت، عوامل دیگری مانع کسب منفعت گردد. لیکن با وجود چنین احتمالی باز هم قانون مدنی به نوعی فرصت از دست رفته را که یکی از مصادیق ضرر غیرمستقیم است مورد شناسایی قرار داده است. این وضعیت در ماده ۳۲۰ قانون مدنی در بحث غصب و ماده ۵۶۵ در بحث جعاله نیز وجود دارد. بنابراین فحوای مواد قانون مدنی با قابلیت جبران ضررهای غیرمستقیم چندان بیگانه نیست. (زمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۲).

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز در بیانی عام خسارت را شامل هر گونه ضرر مادی و معنوی دانسته است. در رویه برخی از محاکم، با استناد به این ماده حکم به جبران ضرر غیر مستقیم داده شده است.

ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی نیز به نوعی بیانگر فرصت‌های از دست رفته و ضررهای غیرمستقیم است هرچند که تمامی فرصتهای از کف رفته را نمی‌توان مصداق ضرر دانست و فرصت از دست رفته باید از نظر عرف ضرر به شمار آید. اما با وجود اینکه ضرر وارده به بازماندگان متوفی مستقیماً ناشی از فعل زیانبار عامل زیان نیست این ماده ضرر

غیرمستقیمی که در اثر فوت زیان‌دیده اصلی به بازماندگان او وارد می‌شود را قابل جبران دانسته است. ماده یاد شده یکی از مواضعی است که قانونگذار ایران صراحتاً نظر به جبران خسارت غیرمستقیم داده است.

بنابراین در قوانین مدنی با وجود اینکه حکم ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی جبران ضرر با واسطه دارد در برخی مواضع این گونه ضررها به طور استثنائی قابل جبران معرفی شده‌اند. چنانکه خواهیم دید در رویه محاکم نیز استناد به ماده ۱ ق.م.م برخی از ضررهای غیرمستقیم مسبوق به سابقه است.

ب- جایگاه ضرر غیرمستقیم قوانین کیفری ایران

قانون مجازات اسلامی حکم روشنی راجع به جبران پذیری ضررهای غیرمستقیم ندارد. تمام ماردی که به نوعی به مستقیم بودن اشاره گردیده مرتبط با بحث سببیت مستقیم با بحث سببیت مستقیم یا اسباب طولی است. مثلاً در ماده ۴۹۹ گفته شده: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد بود خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است.»

قانون مجازات اسلامی در بیان حکم علل و اسباب طولی به پیروی از نظر مشهور در و فقه (نجفی، ۱۴۳۲، ص ۳۷) در ماده ۵۳۵ بیان داشته: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است. مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.»

با وجود این در حقوق ما قاعده ثابتی در مورد تعدد اسباب وجود ندارد مثلاً قانونگذار در برخی مواضع از نظریه سبب نزدیک پیروی نموده که تقدم مباشر بر سبب یکی از این مواضع است.

حقوقدانان ما معتقدند با در نظر گرفتن جمیع مواد قانون مجازات اسلامی باید گفت ون ایران در بحث تعدد اسباب از نظر سبب مناسب و متعارف پیروی نموده است. (کاتوزیان، ضمان قهری، ۱۳۹۸، ص ۴۸۰؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۰) از سوی دیگر قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در چند موضع از قابلیت استناد سخن رانده است. به عنوان مثال در مواد ۴۹۲، ۴۹۶، ۵۱۷ و ۵۳۷ به این ضابطه اشاره شده است. بنابراین با توجه به تمایل حقوقدانان به معیار سبب متعارف همچنین با توجه به اینکه حقوق مسوولیت مدنی رعایت ارکان سه گانه مسوولیت الزامی است و ایسا بیشترین قرابت را با سببیت دارد به نظر می رسد بهترین ضابطه برای شناسایی قابل جبران همان سببیت عرفی است.

ج- جایگاه ضرر غیر مستقیم در رویه قضایی ایران

رویه قضایی محاکم در مواجهه با ضرر غیرمستقیم ضابطه مند و هماهنگ نیست. علاوه بر این همان طور که خواهیم دید به طور کلی عدم تمایل محاکم به جبران ضرر غیر مستقیم متاثر از دیدگاه فقهی عدم قابلیت جبران خسارت ناشی از عدم النفع است. گرچه این دیدگاه معمولاً در منطوق آراء محاکم نمی آید، لیکن از فحوای آراء صادره به خوبی می توان علت تردیدها را دریافت. با وجود این اکثر محاکم علت عدم تمایل خود به پذیرش خسارت غیر مستقیم را ناشی از عدم وجود رابطه سببیت میدانند. کمتر دیده شده که محاکم استدلال خود را پیرامون شرایط ضرر قابل جبران و قاعده مستقیم بودن خسارت متمرکز نمایند. در رویه قضایی به طور معمول برای صدور حکم به جبران ضرر بیشتر به همین رابطه

استناد شده است. هرچند که اشاره به عدم النفع نیز مسبوق به سابقه است. با امیر تشریح موضوع در رویه قضایی ذیلا نمونه ای از آرای مرتبط با موضوع بحث آورده می شود شعبه چهارم دادگاه عمومی شهرری در رأی شماره ۷۲۴ مورخ ۲۲/۵/۸۲ خسارت غیر مستقیم ناشی از تخلف از انجام تعهدات قراردادی را مورد توجه قرار داده است. در رأی مذکور دادگاه ضررهای وارده ناشی از عقد قرارداد شرکت خواهان با طرف دیگر که در اس تخلف خواننده ایجاد شده است را به رسمیت شناخته است. علاوه بر آن دادگاه به چه خسارات مربوط به هزینه های رفت و برگشت برای انجام نیابتهای قضایی و کارشناسی که خواهان ناچار به پرداخت آنها بوده حکم داده است. در حالیکه معمولاً محاکم به جبران هزینه های رفت و آمد به دادگستری حکم نمی دهند. (بتولی، ۱۳۹۱، ص ۲۹)

در پرونده دیگری، خواهان به استناد پرونده کیفری و اجرای احکام که در خصوص سرقت احشام صادر گردیده است، مطالبه ارزش ۷۰ راس گوسفند مسروقه و ضرر و زیان ناشی از ۹ ماه دوندگی و باز ماندن از کار برای یافتن گوسفندان خود را علیه خواننده مطرح می نماید. که شعبه چهارم دادگاه حقوقی اصفهان پس از رسیدگی به شرح ذیل اتخاذ تصمیم می نماید:

«با محاسبه مبلغ بابت زیان و ضرر هفتاد راس بره و مبلغ ... برای هزینه های تجسس در یافتن بره ها و هزینه های مربوط به حضور قانونی خواهان در مراجع مختلف انتظامی و قضایی مستندا به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و با توجه به اینکه هزینه باز ماندن از کار چون کار نامبرده در ارتباط با پروابندی بره های مذکور بوده که جداگانه از سود حاصله از این امر قابل مطالبه نیست علی هذا به استناد مواد او ۲ قانون یاد شده خواننده را به پرداخت مبلغ بابت اصل ضرر و زیان وارده به خواهان و

مبلغ بایست هزینه دادرسی محکوم مینماید. نسبت به مازاد بر مبلغ مرقوم دعوا به اثبات نرسیده محکوم به بطلان اعلام میگردد...»

رای مذکور مورد اعتراض محکوم علیه واقع شده و شعبه هشتم دیوان عالی کشور به شرح ذیل رأی را نقض نموده است:

«ثانیا محکومیت تجدیدنظر خواه به پرداخت مبلغ... بابت هزینه تجسس و یافتن برهها با توجه به قانون مسئولیت مدنی که مورد نظر دادگاه واقع شده صحیح به نظر نمی رسد زیرا موضوع با قانون مزبور انطباقی نداشته و جز هزینه دادرسی خسارت دیگری به خواهان تعلق نمی گیرد». (رای شماره ۸/۵۳۸ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۶ شعبه دیوان عالی کشور)

پرونده پس از نقض رأی در دیوان به شعبه سوم دادگاه حقوقی یک اصفهان ارجاع شده و شعبه مرجوع الیه علیرغم استدلال دیوان، به شرح زیر مبادرت به اتخاذ تصمیم می نماید:

«دادگاه با توجه به اینکه شغل خواهان پرواربندی بوده (دامدار و پرواربند) و از این ممر کسب درآمد و امرار معاش می کرده و بیکاری و تعقیب پرونده علاوه بر اینکه سرمایه اش مورد سرقت قرار گرفته و از شغل خود باز مانده و همانطوریکه در رأی شعبه و بدان اشاره شده تعقیب پرونده مستلزم بیکاری وی و سلب مستقیم عواید قابل استحصال از پرواربندی بوده که ناشی از عمل خواننده است و به طریق دیگر قابل مطالبه نیست در نتیجه خواهان را به قدر مورد مطالبه محق دانسته... حکم به محکومیت خواننده به اخت... صادر مینماید...» (رای شماره ۵۲۹ مورخ ۱۳۷۳/۲۸ شعبه سوم ادگاه حقوقی یک اصفهان)

با توجه به عدم تبعیت شعبه یاد شده از نظر دیوان، پرونده جهت صدور رای اصراری در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و هیئت یاد شده به شرح ذیل انشاء رای می نماید: «حکم شعبه سوم دادگاه حقوقی یک

اصفهان که متضمن محکومیت تجدیدنظرخواه پرداخت مبلغ ... بابت هزینه های تجسس در یافتن بره ها و حضور در مراجع قانونی در مراحل مختلف و هزینه بازماندن از کار میباشد، صحیح نبوده مخدوش است. زیرا موضوع انطباقی با قانون مسئولیت مدنی که مورد نظر دادگاه واقع شده نداشته و از مصادیق خسارات و ضرر مسلم و بلا واسطه ناشی از جرم نیز به نظر نمی رسد».

۳) جایگاه ضرر غیرمستقیم در حقوق انگلستان و رویه قضایی

رویکرد حقوق انگلیس نسبت به ضررهای باواسطه یکسان نیست. در حقوق انگلستان مفهوم ضرر غیرمستقیم ارتباط تنگاتنگی با قاعده قابلیت پیش بینی ضرر دارد. در حقوق انگلیس ضرر غیرمستقیم در غالب موارد قابل جبران است.

الف- جایگاه ضرر غیرمستقیم در حقوق انگلستان

جبران خسارت و بازدارندگی دو هدف مهم قوانین مسئولیت مدنی هستند. هرچند که در برخی از موارد هدف از قواعد مسئولیت تنبیه و عبرت شخص خطاکار معرفی شده است لیکن این هدف فرعی حقوق مسئولیت است و بیشتر جنبه کیفری دارد. هدف از جبران خسارت نیز اعاده وضعیت زیان دیده به زمان قبل از ورود خسارت یا ارتکاب فعل زیانبار می باشد. البته در حقوق انگلیس این نظر هم وجود دارد که هدف از جبران خسارت پرداخت غرامت و جبران کلیه ضرر و زیانها یا صدماتی است که خواهان متحمل شده است. همان گونه که لرد بلک برن در تعریف خود از ارزیابی و پرداخت خسارت بیان داشته است: «خسارت باید با پرداخت مبلغی پول صورت بگیرد به گونهای که خواهان را در همان وضعیت قبل از ورود خسارت یا انجام فعل زیانبار قرار دهد». این تعریف بارها در پرونده های دیگر تکرار و مورد تایید واقع شده است. اما در مورد تعهدات قراردادی تقریباً پذیرفته شده که جبران زیان باید به

گونه ای باشد که خواهان را در وضعیتی قرار دهد که در صورت اجرایی شدن قرارداد در آن موقعیت قرار می گرفت. زیرا اجرای ظاهری این قاعده منجر به نادیده گرفتن قرارداد و قرار دادن خواهان در وضعیتی می باشد که گویی اصلاً قراردادی منعقد نشده است. بنابراین در حال حاضر قرار دادن فرد خسارت دیده در وضعیت سابقش در حقوق انگلستان از اهمیت برخوردار می باشد. (زمانی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۲)

همانطور که قبلاً نیز گفته شد در حقوق انگلستان و طبق قاعده ای که از پرونده هادلی و باکسندیل استخراج می گردد زیان دیده می تواند دو نوع خسارت را از خوانده مطالبه کند. نخست ضررهایی که به طور مستقیم و طبیعی نتیجه نقض عهد هستند. دوم خسارات غیر مستقیمی که به طور طبیعی و در جریان عادی امور به وجود نمی آیند اما در زمان عقد قرارداد توسط طرفین مورد توجه قرار گرفته اند.

(www.brodies.com/blog/corporate/loss-profit-direct-und ۲۰۱۹.۱۱.۱۵)

این خسارات ضررهایی تبعی هستند که اگر چه ممکن است وقوع آنها در جریان عادی امور حادث نشود لیکن به جهت اینکه در زمان انعقاد قرارداد طرفین نسبت به آنها آگاه بوده اند قابل جبران هستند. طرفین می توانند این ضررها را به عنوان نتیجه احتمالی نقض قرارداد پیش بینی کنند. فرض اولیه این است که در حقوق انگلستان هر دو ضرر مندرج در قاعده هادلی و باکسندیل اعم از مستقیم و غیر مستقیم قابلیت جبران خواهند داشت. اما احتمال عدم جبران نیز وجود دارد. بنابراین گفتیم که در نظام حقوقی انگلیس با دو نوع خسارت غیر مستقیم مواجه هستیم. یک دسته از خسارات غیر مستقیم در ردیف خسارات قابل جبران هستند که به خسارت های خاص یا تبعی نیز معروفند. دسته دیگر که قابلیت جبران ندارند خسارت دور یا بعید نامیده می شوند. مطابق قانون انگلیس

متضرر از قرارداد همواره کلیه خسارات ناشی از نقض را وصه نخواهد کرد. چه اینکه ناقض قرارداد مسئولیتی نسبت به ضررهای غیر معمول و دور ندارد ولو اینکه ثابت شود این ضررها در اثر نقض قرارداد محقق شده است. لیکن اگر ثابت شد ناقض قرارداد در هنگام وقوع عقد از شرایط خاص و غیر معمولی که خسارت طرف مقابل را رقم خواهند زد آگاهی داشته است این خسارات می توانند به عنوان ضرر غیرمستقیم قابل جبران باشند. در حوزه مسوولیت قهری نیز چنانچه ضرر ناشی از نقض تکلیف مراقبت باشد قابلیت جبران دارد. تکلیف مراقبت نیز به نوعی می تواند بیانگر قابلیت پیش بینی ضرر باشد. چه اینکه در موضعی که تکلیف مراقبت وجود دارد خواننده نوعاً می تواند عواقب ناشی از نقض تکلیف مراقبت را در ذهن خود ترسیم کند.

در کامن لا ضرورت مستقیم بودن ضرر مختص ضررهایی است که عمدی نباشند. در مورد زیانهای عمدی فاعل زیان مسئول تمامی نتایج عمل زیانبار خویش اعم از مستقیم و غیر مستقیم است. قاعده ای در حقوق انگلستان وجود دارد که «ضررهای عمدی هیچگاه دور نیستند. امروزه در جایکه ضرر ناشی از نقض وظیفه خواننده است وی مسئول جبران ضررهای غیرمستقیم است و در این گونه موارد قابلیت پیش بینی زیان نیز تاثیری ندارد. اما اگر خسارات دور ناشی از نقض وظیفه خواننده نباشد تنها در صورتی قابل جبران است که قابل پیش بینی بوده باشد.

(Coleman, 2012, p 94)

امنیت شخصی، منافع مالی و منافع صرف اقتصادی از جمله منافع هستند که در حقوق انگلستان مورد حمایت قانون می باشند. البته در مورد حمایت از ضرر اقتصادی محدودیت به مراتب بیشتر است، در کامن لا قوانین موضوعه حدود اقدامات تجاری قانونی و قانونی را تعیین می کنند. بنابراین محاکم باید در چهارچوب مقررات موضوعه حکم به جبران

خسارت اقتصادی بدهند. منافع اقتصادی ناشی از ضرر وارده به اموال و اشخاص را باید از ضررهای اقتصادی محض تفکیک نمود. به عنوان مثال همچنانکه در دعوی مرسوم به دعوی کابل مورد تاکید قرار گرفته ضرر ناشی از عدم تولید کالا در کارخانه ای که برق آن در اثر بی احتیاطی خواننده قطع گردیده از خواننده قابل مطالبه نیست. (Hoge, 2011, p 325)

همانطور که قبلا نیز گفته شد در این کشور چنانچه عامل زیان منحصر به فرد باشد برای احراز مسئولیت یا عدم مسئولیت خواننده از معیار «اگر نبود» استفاده میشود. این معیار متضمن این معنی است که ضرر وارده به وجود نمی آمد مگر با دخالت خواننده. اگر با به کار بردن این معیار، خواننده مسبب حادثه زیانبار تشخیص داده شود او مسئول جبران خسارت ناشی از عدم رعایت احتیاط متعارف و معقول خود است. (Cooter, Melvin, 2016, p 922)

طرفین می توانند مسئولیت خود را نسبت به جبران ضرر غیرمستقیم محدود کنند. این امر از طریق درج «شرط محدود کننده» خسارات تبعی یا ویژه صورت می پذیرد. چنانچه و اطفین بخواهد نسبت به ضررهای غیرمستقیم یا تبعی مسئولیت نداشته باشد باید با پیش بینی این گونه ضررها و درج شرط تحدید کننده مسئولیت خود را محدود نماید بدیهی است عدم توجه به این امر و غفلت از درج چنین شرطی ممکن است طرف زیان دیده را از دریافت خسارت محروم نماید. به عنوان مثال عدم النفع ناشی از نقض قراد همیشه ضرر غیرمستقیم نیست و می تواند به عنوان ضرر مستقیم مورد شناسایی دادگاه واقع شود. یعنی ممکن است با وجود اینکه طرفین مسئولیت ناقض قرارداد را نسبت به جبران ضرر غیرمستقیم ساقط کرده اند باز هم او مجبور شود جبران خسارات مذکور را به عهده بگیرد.

درج شرط حذف زیان تبعی به این معناست که طرفین حق خود را نسبت به مطالبه ضررهای تحت شمول قسمت دوم قاعده هادلی حذف نموده اند. البته نباید تصور کرد که با درج این شرط زیان از دست دادن سود نیز حذف می شود. زیرا در حقوق انگلستان طبق قاعده زیان از دست دادن سود یک زیان مستقیم به شمار می رود. مثلاً در قضیه دیپارک دادگاه تصریح کرد درج شرط حذف زیان تبعی باعث حذف مطالبات ثابت و هزینه های کلیدی ناشی از انفجار در کارخانه متانول برای متقاضی نمیشود. (Eisenberg, 2006, p 98)

نمونه های دیگری نیز از تفسیر محاکم انگلیس راجع به درج شرط زیان تبعی وجود دارد. مثالهای زیر نمونه ای از درج شرط مسئولیت یا عدم مسئولیت طرفین نسبت به زیانهای غیرمستقیم است.

۱- در قضیه بی اچ پی پترولوم " طرفین قرارداد به شرح ذیل توافق نموده بودند: «هیچ یک از طرفین مسئولیت اضافه ای در قبال از دست دادن تولید، از دست دادن سود، از دست دادن تجارت یا هرگونه ضرر غیرمستقیم یا خسارات ناشی از آن ندارند دادگاه نتیجه گرفت که طرفین در واقع در پی مستثنی کردن مسئولیت ها و سایر بدهی های غیرمستقیم یا پیامدهای دیگر بوده اند. در واقع طرفین قصد داشتند مسئولیت از دست دادن تولید، از دست دادن سود، از دست دادن مشاغل یا ضررهای غیر مستقیم یا متعاقب آن از هر نوع را حذف کنند.

۲- در قضیه پگلا لیمیتد توافق شده بود: «خواننده به هیچ وجه مسئول هر گونه ضرر غیر مستقیم، به ویژه و یا متعاقب که از نقض ناشی می شود نیست. اما از دست دادن سود بینی شده با داده ها محدود نمی شود» در این مورد دادگاه اظهار نظر کرد که این در تمام مسئولیت از دست دادن سود را از بین نمی برد بلکه فقط شامل از دست دادن بود از نوع

غیرمستقیم یا تبعی است. از آنجا که این ادعا برای از دست دادن مستقیم سود بود، این بند قرارداد از خواننده حمایت نکرد.

۳- در قضیه دانشگاه گیل طرفین در قرارداد تصریح کردند: «ما مسئولیت پرداخت خسارت را در رابطه با ضرر و زیان وارده به عنوان نتیجه مستقیم ارائه خدمات به خودمان را می پذیریم. تمام مسئولیت های دیگر صریحاً مستثنی هستند، به ویژه ضرر متعاقب آن، تحقق پس انداز یا مزایای پیش بینی شده» به همین جهت دادگاه تصریح کرد که این ماده ضرر مستقیم پس انداز مالیات را محروم نمی کند. دادگاه بر روی کلمه «دیگری» تمرکز نمود که گفته شد طرفین پیش بینی می کردند که قسمت اول این بند بر بند دوم برتری داشته باشد. بنابراین بخش دوم بند فقط ضرر و زیانی را که از قسمت اول پوشانده نشده است، یعنی تنها ضرر غیرمستقیم را حذف می کند.

با توجه به مراتب فوق مفهوم خسارت غیرمستقیم در حقوق انگلیس متفاوت از آن چیزی است که در حقوق ایران وجود دارد. چه اینکه در کامن لا زیان تبعی که زیانی غیر مستقیم شناخته میشود قابلیت جبران دارد. چون این خسارت نوعاً خسارت دور فی شناخته نمی شود. اما در حقوق ایران اولاً بحث دوری و نزدیکی زیان به مفهومی که در حقوق انگلستان مشاهده می شود وجود ندارد. ثانیاً با تعریفی که حقوقدانان ما از خسارت مستقیم ارائه داده اند این گونه خسارات به استناد ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی خساراتی غیر قابل جبرانند.

ب- جایگاه ضرر غیرمستقیم در رویه قضایی انگلستان

گفتیم که در نظام حقوقی انگلستان دوری زیان و مستقیم بودن آن ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. بر همین مبنا رویه قضایی انگلستان در پرونده های متعددی به طور همزمان در مورد ضرر مستقیم، زیان تبعی و غیرمستقیم اظهار نظر نموده است. برای شناسایی جایگاه ضرر غیرمستقیم

در رویه قضایی انگلستان مجدداً باید به سراغ پرونده هادلی و باکسندیل برویم.

در سال ۱۸۵۴ دادگاه ارکستر به سرپرستی بارون سر ادوارد هال آلدرسون، از صدور حکم نسبت به منافع از دست رفته خواهان خودداری کرد و بیان داشت خوانده تنها در قبال ضررهایی که به طور کلی قابل پیش بینی است پاسخگو است. همچنین اگر خواهان شرایط ویژه خود را در این مورد ذکر کرده بود می توانست خسارت باز ماندن از منافع را مطالبه کند. صرف اینکه خواهان در حال ارسال شئی برای تعمیر است نشانگر این نیست که او در صورت عدم تحویل به موقع آن شیء سود خود را از دست می دهد. دادگاه شرایط مختلف دیگری را برشمرد که اگر خواهان تحت آن شرایط وارد قرارداد شده بود دیگر چنین شرایط و خیمی را تجربه نمی کرد. بر این مبنا دادگاه خاطر نشان کرد در مواردی که شرایط ویژه ای وجود داشته باشد طرفین می توانند بصورت داوطلبانه قواعدی را در قرارداد پایه ریزی کنند که جبران خسارات اضافی ناشی از نقض را پوشش دهد. (Tettenborn, 2007, p 225)

ناگفته نماند که قضات رسیدگی کننده به پرونده هادلی و باکسندیل در صدور رای خود به قانون فرانسه نیز توجه داشتند. این مطلب در مقدمه رأی صادره نیز آمده است. اما نکته مهم این است که قضات انگلیسی در مقام بیان قاعده دوری زیان بوده اند و در تفسیر و تعیین و ضابطه دوری زیان به مستقیم بودن و قابلیت پیش بینی ضرر اشاره نموده اند. حقوقدانان انگلیسی با استنباط از پرونده فوق در خصوص زیان های مستقیم و غیرمستقیم به این نتیجه رسیده اند که خساراتی که به طور طبیعی از نقض عهد سرچشمه می گیرند زیانهای مستقیم به شمار می روند. مانند اینکه کارخانه ای در اثر تخریب ساختمانش مجبور به بازسازی گردد و در طول مدت بازسازی از منافع ناشی از تولید باز بماند. اما اگر کارخانه مذکور

منافع دیگری که در اثر عقد قرارداد با ثالث می توانست تحصیل نماید را مطالبه نماید این زیانها به علت غیرمستقیم بودن قابلیت جبران نخواهد داشت. مگر اینکه ثابت شود طرفین عالم به احتمال از دست رفتن چنین منافعی بوده اند. نکته ای که در این پرونده حائز اهمیت است اینکه اگر چه در قضیه هادلی مستقیم بودن خسارت مورد توجه قضات بوده است لیکن جبران خسارت غیرمستقیم به طور کلی نفی نگردیده است. آنچه از رأی قاضی الدرسون قابل استنتاج است این است که تنها خساراتی قابل مطالبه اند که به طور متعارف از قصور خواننده نشات گرفته باشند. ضمناً خسارات غیرمستقیم قابلیت جبران ندارند مگر اینکه این خسارات به نحوی باشند که بتوان گفت طرفین در زمان انعقاد قرارداد به عنوان اثر نقض عهد احتمال وقوع آن را می داده اند. پس از صدور رأی هادلی حقوقدانان انگلیسی مدتها بر این امر اصرار داشتند که: نباید زیان زنده را مسئول جبران تمام نتایج مستقیم ناشی از عملکرد وی دانست زیرا برخی از نتایج ولو مستقیم با اخلاق و عدالت سازگاری ندارند. در واقع یک دسته از خسارات بر طبق: روال معمول به طور طبیعی بوجود می آیند و طبیعتاً میتوان طرفین را عالم به آنها در نظر گرفت. این خسارات خساراتی هستند که عینیت داشته و مستقیم به شمار میروند. در مقابل دسته دیگری از خسارات خاص وجود دارند که خسارتهای غیرمستقیم یا تبعی نامیده می شوند. این خسارات صرفاً زمانی قابلیت جبران دارند که خواننده در زمان شکل گیری قرارداد در مورد نقض آنها آگاه فرض شود. هر دو دسته این خسارات قابلیت جبران داشته و خسارات دیگر به جهت بعید بودن، غیر قابل جبرانند.

در سال ۱۹۲۱ در قضیه ریپلمیس حلبهای بنزینی که در یک کشتی قرار داشت در طول سفر چکه کرد و مقادیری بنزین به انبار کشتی سرایت نمود. در هنگام تخلیه کشتی کارگران به قصد عبور از روی انبار کشتی الوارهایی را بر روی انبار قرار دادند. در همین حین یکی از الوارها به

داخل انبار سقوط کرد و در اثر اصابت به کف انبار جرعه ای ایجاد شد و انبار کشتی آتش گرفت. مالکین کشتی دعوایی را برای مطالبه ضرر وارده به خود علیه اجاره کنندگان کشتی مطرح کردند. قضات انگلیسی ابتدا نظر دادند که خوانده مسئول تمامی نتایجی است که از خطای او نشأت گرفته است؛ مشروط به اینکه چنین انتظاری از عملکرد وی طبیعی باشد. هرچند که نتایجی که به وقوع پیوسته نوعاً غیرقابل پیش بینی بوده باشد و هرچند این نتایج به مراتب بیشتر از آن چیزی باشد که آنها به طور منع مردهاند. تا قبل از صدور این رأی برای اثبات تقصیر به مستقیم بودن ضرر توجه بسیار می شد و لیکن پس از صدور رأی در دعوای ریپلمیس دادگاه بدوی دعوای خواهان پرونده را به علت عدم قابلیت پیش بینی ضرر برای خوانده مردو خواهان محکمه استیناف در رأی خود چنین نظر داد که خوانده مسئول که به طور مستقیم از بی احتیاطی وی نشأت میگیرد و صرفاً به به شمار آورد که به علت وقوع عوامل دیگری، غیرمستقیم تلقی می گردند. بنابراین نتایجی که در اثر اسباب مستقل دیگر به وجود می آید ممکن است نتیجه ضررهای دور محسوب گردد. (Harruoat, 2000, p 52) رویکرد، سنتی، حقوق انگلیس این بوده که خوانده به محض نقض وظیفه مراقبت مسئول کلیه نتایج ناشی از عملکرد خویش است. غیر معمول بودن و غیر قابل پیش بینی بودن زیان نیز اهمیتی نداشته است. اما پس از قضیه ریپلمیس افضات انگلیس اظهار داشتند با توجه به اینکه نقض وظیفه مراقبت صورت پذیرفته بنابراین خوانده مسئول تمامی نتایج مستقیم و از تقصیر خویش بوده و تمامی خسارات ناشی از تقصیر خوانده قابل جبران است. در این پرونده مشخص شد که چنانچه زیان قابل پیش بینی باشد خوانده باید تمام خسارات را به عهده بگیرد. بدیهی است هرچه قدر عوامل بیشتری در بروز زیان دخالت داشته باشند احتمال پیش بینی ضرر کمتر است.

همانطور که در بند قبلی گفته شد با استدلال قضات پرونده ویکتوریا لاندی شرط مستقیم بودن تحت تأثیر قرار گرفت. مجدداً در دو دعوی واگن ماند؟ و دونوگو شرط مستقیم بودن کمرنگ شد. در قضیه واگن ماند محکمه بدوی دعوی خواهان را با توسل به قاعده مستقیم بودن خسارت وارد تشخیص داده و حکم به پرداخت تمامی خسارات وارده به وی صادر نمود. رأی صادره مورد اعتراض خواننده قرار گرفت و شورای سلطنتی اعلام نمود که قاعده مستقیم بودن دیگر قاعده مناسبی نیست. بنابراین خواننده تنها مسئول پرداخت که برای یک انسان متعارف قابل پیش بینی باشد. قضیه از این قرار بود که کشتی واگن ماند در اکتبر ۱۹۵۱ در بندر سیدنی لنگر انداخت و در اثر بی دقتی خدمه کشتی روغن کوره از کشتی به دریا نشت نمود. در نزدیکی ساحل کشتیهای دیگری در حال تعمیر و جوشکاری بودند. جرقه های جوشکاری با زباله های پنبه ای شناور در آب برخورد کرده و تمام روغن نشت شده را مشتعل کرد. کشتیهای پهلو گرفته در ساحل و اسکله دچار حریق شدند. صاحبان کشتیها دعوی خسارت علیه خواننده مطرح کردند. دادگاه بدوی چنین نظر داد که خسارات ناشی از نفوذ روغن به بارانداز قابل پیش بینی بوده و به عقیده او همین امر برای اثبات وجود تکلیف به رعایت احتیاط و مراقبت کافی بوده است. اما شورای سلطنتی نظر داد که حتی اگر خدمه بی احتیاط بوده و وظیفه مراقبت را نقض کرده باشند صدمات شدید ناشی از آتش سوزی توسط یک شخص معقول قابل است. وقوع آتش سوزی برای خوانندگان قابل پیش بینی نبوده و نمی توان منطقاً انتظار داشت آن ها بدانند که روغن در هنگام پخش شدن روی آب ممکن است مشتعل شود. ضمن آنکه مالکان اسکله می دانستند که روغن در آنجا قرار دارد و به جوشکاری ادامه داده اند. (زمانی، ۱۳۹۹، ص ۹۶)

نتیجه گیری

در حقوق ایران نزدیکترین عنوان به ضرر غیرمستقیم مفهوم عدم النفع است. جبران زیان عدم النفع چه در حوزه مسوولیت قراردادی چه در حوزه مسوولیت غیرقراردی به دشواری پذیرفته شده است. از بین رفتن منفعت دارای اشکال مختلفی است. گاهی منافع موجودی به واسطه عمل غیر از بین می رود که این قسم را باید تقویت منفعت نامید. مانند اینکه میوه های درختان یک باغ توسط شخصی اتلاف شود یا اینکه امکان سکونت در منزل استیجاری از مستاجر گرفته شود. اما گاهی با اینکه منافع موجود نیست بر حسب سیر طبیعی امور امکان تحقق منفعت برای صاحب آن وجود دارد. مانند اینکه کارگر یک کارخانه که به صورت روزمزد درآمد ثابتی دارد از انجام کار محروم نمایند و به واسطه این حرمان او درآمد روزانه اش را از دست بدهد. چنین زبانی مصداق فوت منفعت و همان عدم النفع محقق الحصول است. در این گونه موارد به جهت فراهم بودن مقتضی ایجاد نفع، ضرر وارده یقیناً قابلیت جبران دارد. اما گاهی ایجاد نفع در سیر طبیعی امور اتفاق نمی افتد و امکان تحقق یا عدم تحقق آن به طور در نظر عرف به یک میزان است. هر چند در چنین حالتی نیز انصاف این است که به قرائن و شواهد و اوضاع و احوال هر مورد توجه کرد اما در حقوق فعلی ایران حکم به جبران خسارت ممکن الحصول با تردید جدی مواجه است. به هر تقدیر آنچه از دست رفتن منفعت یا تقویت آن به طور غیرمستقیم و با واسطه انجام شود اما و فی برای عین یا منفعت از دست رفته ارزش قائل باشد و رابطه سببیت را بین ضرر وارده و فعل زیانبار مستقر بداند بدون تردید باید ضرر را مسلم شمرده و حکم به جبران آن داد صرف مستقیم بودن نباید مجوزی برای عدم جبران باشد. این عقیده با مفهومی که حقوقدانان ایران از ضرر مستقیم ارائه می دهند سازگار است و به شرحی که گفته شد مبانی آن نیز در حقوق ایران وجود دارد. در حقوق انگلستان و در حوزه مسوولیت

قراردادی چنانچه در پی یک خسارت مالی یا بدنی عدم النفعی حاصل شود امکان جبران وجود دارد اما عدم النفعی که منشاء بدنی و مالی ندارد اصولاً غیر قابل جبران است و فقط در موارد خاص و نادر مورد حکم قرار می‌گیرد. در حوزه مسوولیت قراردادی نیز عدم النفعی که در حوزه پیش بینی متعارف طرفین قرارداد آمده باشد قابلیت جبران دارد. به طور کلی ضرر مستقیم در انگلیس متأثر از ضرر قابل پیش بینی است و بدون این قید و به تنهایی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. قابلیت پیش بینی ضرر ضابطه‌ای است که ضررهای نزدیک را از های دور متمایز نموده و نقش موثری در جبران پذیری ضرر غیرمستقیم ایفا می‌کند.

منابع

۱. بادینی، حسن؛ تقی زاده، ابراهیم؛ علیدوستی شهرکی، ناصر؛ پناهی اصانلو، پانته آ، ۱۳۹۶، خسارت تبعی در بیع بین المللی کالا، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره هفتاد و نهم.
۲. بتولی، مازیار، ۱۳۹۱، خسارت مستقیم و غیر مستقیم قابل مطالبه ناشی از فعل زیانبار در حقوق مدنی ایران و مقایسه آن با حقوق آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
۳. حاجی نوروزی، غلامرضا، ۱۳۸۹، مطالعه تطبیقی رهیافت های سببیت در مسئولیت مدنی، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره یک.
۴. حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۶، حقوق مدنی مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
۵. رنجبر، مسعودرضا، ۱۳۹۵، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، چاپ سوم، تهران، میزان.
۶. زمانی، مجتبی، ۱۳۹۹، ضرر غیرمستقیم در حقوق ایران و انگلستان، انتشارات دادبخش، چاپ اول، تهران.
۷. زمانی، مجتبی، طاهری، سهیل، پیروزی، پژمان، مظلوم رهنی، علیرضا، ۱۴۰۰، مبانی ضرر غیرمستقیم قابل جبران در حقوق ایران و انگلیس، آموزه های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره سیزدهم، شماره بیست و سوم.
۸. زمانی، مجتبی، طاهری، سهیل، پیروزی، پژمان، مظلوم رهنی، علیرضا، ۱۳۹۹، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره پنجاه، شماره سوم.
۹. ژوردن، پاتریس، ۱۳۹۴، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.

۱۰. شاهنوش فروشانی، محمد عبدالصالح، صفری، محسن، ۱۳۹۴، ارزیابی خسارات ناشی از نقض قرارداد و ماهیت مسئولیت قراردادی، پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، شماره چهارم.
۱۱. غمامی، مجید، ۱۳۸۴، ضرر جبران پذیر از دیدگاه رویه قضایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره هفتاد.
۱۲. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۷، مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران، شهر دانش.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۸، ضمان قهری، انتشارات میزان، چاپ چهل و دوم، تهران.
۱۴. نجفی، محمد حسن، ۱۴۳۲، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
۱۵. نعیمی، هادی، ۱۳۹۰، خسارت قابل مطالبه در مسئولیت قراردادی ایران، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری حقوق خصوصی.
۱۶. یوسفی، علی، ۱۳۹۷، اصل جبران کامل خسارت در حقوق مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، جنگل جاودانه.
۱۷. Coleman, Jules (2012) Risk and wrongs, Cambridge Studies in philosophy and Law Cambridge University Press, First edition.
۱۸. Hoge. Martin (2011). Promises and Contract Law Perspectives. Cambridge University Press.
۱۹. Cooter, Robert and Melvin Aron Eisenberg (2016). "Damages for Breach of Contract", California Law Review, Volume 73, Issue 5. <http://scholarship.law.berkeley.edu/californialawreview/vol173/iss5>.
۲۰. Eisenberg, Melvin A. (2006) The Disgorgement of Interest in Contract Law

- Harruoat Vivienne, (2000), Principles of Tort .۲۱
Law. 4 edit Publishing, New York.
- Ogus, A.I. (2019), The Law of Damages, .۲۲
London, Butterworths.
- Tettenborn, Andrew, (2008) Consequential .۲۳
Damages in Contract- The Poor Relation,
Available at:
www.digitalcommons.Imu.edu/llr/vol142/iss1/7.
- Diamond ,Thomas A. and Howard Foss.(2012). .۲۴
“Consequential Damages for Commercial Loss
An Alternative to Hadley v. Baxendale”, 63
Available at <http://ir.lawnet.fordham.edu/fir/vol63/iss3/1>